

بسم الله الرحمن الرحيم



نویسنده

نسرین اسلانت میر عرشا



سایه امید

ناشر: مهر پیروزی

نویسنده: نسرین السادات میرعربشاهی

ویراستار و فراح جلد: محمدرضا پیروزی

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۳۸-۱۰-۷

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

سرشناسه	میرعربشاهی نسرین السادات، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور	سایه امید / نویسنده: نسرین السادات میرعربشاهی؛ ویراستار: محمدرضا پیروزی
مشخصات نشر: تهران	مهر پیروزی: تندیس ۳۹۲
مشخصات ظاهری	۱۶۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۱۳۸-۱۰-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ س ۲ ی ۴۴۳ / PIR ۸۳۶۱
رده بندی دیویی	۸۳۲ / ۳۱۸
شماره کتابشناسی ملی	۳۴۰۲۶۶۷



رمانی را که پیش رو دارید اولین نوشته ام است که داستان آن خاطرات مادری است که دختری ناشنوا دارد و...

این رمان برگرفته از زندگی هیچ کس نیست بلکه من از اندک تجربه ام از زندگی خودم و دختران ناشنوایی که گاهی آن ها را در کوچه و خیابان و محل کار همسرم می دیدم استفاده کرده ام، چرا که همسرم گفتار درمانگر هستند و در طول روز با شمار زیادی از این عزیزان سر و کار دارند و به آن ها خدمت می کنند هر چند شاید این اتفاقات را بارها در اطراف خود مشاهده کرده ایم و هر یک از ما در نوشتن رمانی که در دست دارید این بود که خانواده هایی که فرزندان عزیز کم شنوا یا ناشنوا دارند از جان شان برای فرزندان شان مایه گذارند و بر سر پیروفت عزیزان شان تمام تلاش خود را بکنند چرا که این نور چشمی ها برکتی هستند که با صرف پروردگار، گر چه آن ها از نعمت شنیدن و حرف زدن محروم هستند اما با آفتاب توانایی و استعداد های دیگری شامل حال شان شده که قابل شمارش نیستند.

تنها می توان در همه حال خدا را یاد کرد تا یادآوری اش باری از مشکلات مان کاسته شود و زندگی را با رنگ های زیبای بیسمم به گفته ی آقای محمد حجازی "در صحنه ی زندگی ما همه بازیگریم؛ بعضی فقط بازی می کنند و بعضی در ضمن بازی به تماشای خود و دیگران هم می پردازند". دیگر این که زندگی یک بازی است که ما باید قواعد بازی را رعایت کنیم. بیسمم جا دارد تشکر کنم از تمام عزیزانی که مرا در نوشتن این کتاب یاری کردند: مادرم که با تشویق های مکررش به من انگیزه داد و پدرم که با بخند های خسته گی را از تنم بیرون می کرد و همسرم که در تمام زمینه ها پشتیبانم بود و با اطلاعاتی که در مورد دختران ناشنوا در اختیارم گذاشتند توانستم با دیدی بازتر نوشته هایم را ادامه دهم و همچنین خانم زهرا دبستانی و همچنین تقدیر و تشکر از مادری صبور و دوست داشتنی سرکار خانم اعظم السادات مهاجری

چرا که شعرهای استفاده شده در متن رمان دست نوشته‌های این مادر عزیز می‌باشد که برای دختر ناشنوای خود، نجمه السادات سروده‌اند.

امرسون چه به جا و زیبا می‌گوید: "تار و پود روح مادر را از مهربانی بافته‌اند" این جمله مصداقی است در وصف ایشان. این رمان را تقدیم می‌کنم به تمام مادران و مادران ایرانی، خواهرانم، دوستانم و استادم سرکار خانم آباد و همچنین تمام همکاران توانبخشی در سراسر ایران که عاشقانه به هموطنان عزیز استثنایی توجه می‌کنند.

www.ketab.ir